

تحلیل تاریخی مهم ترین منابع تأثیر گذار در علوم قرآن قرن پنجم

محمدعلی مهدوی راد*

دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث پردیس فارابی دانشگاه تهران

نجمه نجم**

دکتری علوم قرآن و حدیث، کادر علمی و پژوهشگر گروه پژوهشی تفسیر و علوم قرآن پژوهشکده مطالعات اسلامی جامعه الزهراء قم
(تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱/۲۳؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۴/۶).

چکیده

برای جریان‌شناسی علمی منابع علوم قرآن، نگارش منظمی که عوامل مؤثر بر تطور منابع مهم را با تحلیل تاریخی بیان کند، موجود نیست. پژوهش حاضر، کیفی بوده و با روش اسنادی و رویکرد تفسیری و تحلیل تاریخی و تکنیک قیاسی، نحوه «تأثیرگذاری مهم ترین نگارش های علوم قرآن قرن ۵» را بیان کرده است. جریان سازی نظرات سید مرتضی در مباحث مهمی چون صرفه و مشابه و تأثیرگذاری آثارش در نگارش بزرگانی چون شیخ طوسی، طبرسی و فخر رازی قابل توجه است. موضوعات علوم قرآن در ۶۷ تک‌نگاری مکی بن‌ایطالاب بسیار تأثیر گذار بوده که «قرائت» بالاترین رتبه را داراست. ۲۹ تک‌نگاری دانی با تأکید بر «التبسیر»، تأثیر نظرات علوم قرآن وی را می‌افزاید. مباحث علوم قرآن در تبیان طوسی، قابل تامل است ولی تأثیرگذاری آن به حد آثار استادش سید مرتضی نمی‌رسد. ضریب تأثیر اسباب‌النزول واحدی نیشابوری متوسط است، اما جریان سازی آثار جرجانی با نظریه نظم و ابتکار وی، مبحث اعجاز را ارتقا داده است. همچنین تأثیرگذاری غزالی به نگرش فلسفی او در پردازش مباحث علوم قرآن باز می‌گردد. یافته این تحقیق نشان می‌دهد تکامل و توسعه علوم قرآن قرن ۵، به دلیل نوآوری و خلاقیت نویسندگان این دوره است. پیامد آن، ترکیب، بازسازی، تعمیق و گسترش علوم اعجاز، صرفه، محکم و مشابه، قرائت و سبب نزول بوده که در قرون قبل فقط حاصل داده‌های روایی است. رهاورد فهم این مطلب، تکمیل سرفصل دروس دانشگاهی رشته علوم قرآن برای دانستن عوامل مؤثر بر تطور و فراز و نشیب‌های منابع مهم می‌شود. ضمن آنکه با روندی منظم، دانش و بینش کمی و کیفی دانش پژوهان این رشته را در فهم «تاریخ منابع علوم قرآن» ارتقا می‌دهد.

واژگان کلیدی: منابع علوم قرآن، قرن پنجم، تحلیل تاریخی، عوامل تأثیر گذار.

* Email: mahdavidrad@ut.ac.ir

** Email: n.najm313@yahoo.com (نویسنده مسئول)

مقدمه

در بررسی سیر تاریخی منابع مهم علوم قرآن در دوره‌های گوناگون، شاهد تغییرات ساختاری، کارکردی و حتی محتوایی هستیم. در نگاه اول، تغییر و تحولات عمدتاً ناشی از عوامل و عناصر تحول زای شخصی در اندیشه، تخصص و مذهب نویسنده و شرایط پیرامونی او از ابعاد گوناگون بوده که در بسیاری از موارد، تحت اقتضات زمانی و مکانی متفاوت رخ داده‌است. درک و بررسی این تغییر و تحولات و به عبارتی تحلیل تاریخی نگارش‌های مهم علوم قرآن، نیازمند مطالعاتی روش‌مند با پشتوانه‌های نظری و مبتنی بر اتخاذ رویکردی علمی و منسجم است.

بیان مسئله: ارائه گزارش از منابع علوم قرآن، بر محور زمان و با معرفی نام کتب و منابع تخصصی علوم قرآن در کتب گوناگون شیعه و اهل سنت موجود است. بدین ترتیب شناخت و آگاهی از سیر نگارش‌های علوم قرآن به صورت گزارشی در قالب «تاریخ نقلی» در اختیار جامعه علمی قرار گرفته‌است. البته کسب این شناخت هرچند مهم و مبنایی، اما ناکافی به نظر می‌رسد. برای روندشناسی و جریان‌شناسی علمی منابع علوم قرآن، نگارش منظمی که عوامل مؤثر بر تطور نگارش علوم قرآن را با تحلیل تاریخی برای دانش‌پژوهان این رشته به تصویر بکشد، موجود نیست. علاوه بر آنکه دانستن عوامل مؤثر بر تطور و فراز و نشیب‌های منابع مهم، کمک شایانی به درک درست مخاطبان تخصصی این رشته برای «تاریخ منابع علوم قرآن» خواهد کرد. در نتیجه حلقه مفقوده شناخت در این موضوع، شناختی است که همراه با بازکاوی تاریخی نگارش‌های علوم قرآن و تجزیه و تحلیل آنها، تأثیرگذاری نگارش‌های علوم قرآن را توضیح دهد. حصول این شناخت، به گونه‌ای مکمل کارهای انجام‌شده خواهد بود. این پژوهش در صدد است به «تحلیل تاریخی مهم‌ترین منابع تأثیرگذار در علوم قرآن قرن پنجم» پرداخته و بر اساس روزگار مؤلف، تاریخ نگارش متن، زمینه‌های تاریخی، اجتماعی و سیاسی آن، استادان

مؤلف، هم‌عصران او و ریشه‌های اندیشه یا مکتب فکری نویسنده و مواردی از این دست، مواد تحلیل را فراهم آورد. همه این اقدامات برای پاسخ به این سؤال طراحی شده است که: مهم‌ترین نگارش‌های تأثیرگذار در علوم قرآن قرن پنجم، متأثر از چه عوامل بنیادینی بوده و به چه صورت قابل تحلیل است؟

هدف و ضرورت: هدف در نظر گرفته شده برای این تحقیق؛ شناسایی، ارائه و نظام داده‌ها در قالب شناخت سیر منابع و عوامل مؤثر در نگارش مهم‌ترین منابع علوم قرآن قرن ۵ و نویسندگان آن است؛ چراکه می‌بایست دانش پژوهان این رشته با رویکرد تحلیلی، عوامل مؤثر بر نگارش‌های علوم قرآن را فهم کنند.

روش: ابتدا با روش اسنادی به جمع آوری داده می‌پردازد. اتخاذ رویکرد تفسیری و تحلیل تاریخی به دنبال آن است که بدون پیش داوری (ر.ک: محمدپور، ۱۳۹۲، ج ۲: ۵۰-۵۱؛ ابوالمعالی، ۱۳۹۱: ۱۳۳) به تحلیل نگارش‌های مهم علوم قرآن قرن ۵ بپردازد. پس از رصد عوامل مؤثر در هر منبع، با کمک تکنیک قیاسی، میزان تأثیرگذاری منابع در علوم قرآن بررسی خواهد شد. تکالیف اساسی در چرخه تحلیل این پژوهش عبارت‌انداز: شناسایی و توصیف منابع مهم، تحلیل استقرایی داده‌ها، مقایسه و بیان سیر صعودی یا نزولی تأثیر منابع.

پیشینه تحقیق: «سیر نگارش‌های علوم قرآنی» محمدعلی مهدوی راد مهم‌ترین منبع شیعی معاصر بوده که در چاپ‌های گوناگون از جمله سال ۱۳۸۴ توسط انتشارات هستی‌نما چاپ شده است. این کتاب از حیث گزارشی و در قالب تاریخ نقلی، مبنایی بوده، اما مسئله تحقیق حاضر، ارائه گزارشی کیفی و تحلیلی است. کتاب «درآمدی بر تاریخ علوم قرآنی» محمدتقی دیاری بیدگلی به‌طور کلی نگاهی تاریخی و پیشینه‌ای به علوم قرآن و موضوعات آن دارد. این کتاب در سال ۱۳۸۷ توسط دانشگاه قم به چاپ رسیده است. کتاب «متدولوژی علوم قرآنی» اثر ابراهیم فتح‌اللهی که در سال ۱۳۸۸ توسط دانشگاه امام صادق علیه السلام چاپ شده با رویکردی معرفت‌شناسانه، علوم

قرآنی و چیستی آن؛ سیر تاریخی، رده‌بندی و روش‌شناسی هریک از علوم را بررسی کرده و ملاک‌های رده‌بندی علوم قرآنی را از دیدگاه دانشمندان اسلامی توضیح داده‌است. مرتبط‌ترین کتاب با این تحقیق، «فرهنگ‌نامه علوم قرآن (علوم و تألیفات)» که حاصل رساله دکتری ابراهیم اقبال با عنوان «سیر تطور علوم قرآن» بوده که توسط مؤسسه چاپ و نشر بین‌الملل در سال ۱۳۸۵ چاپ شده‌است. این نگاه‌سته، فهرست تألیفات را بر محور تعدادی موضوعات علوم قرآن با توجه به سیر تاریخی آن ارائه می‌دهد. سیر تطور در این کتاب به‌صورت گزارش تألیفات و تغییرات کمی منعکس شده و از هدف این تحقیق فاصله دارد.

آثار موجود، به‌گونه‌ای است که به‌شکل سخت‌افزاری، اطلاعات لازم در این‌باره را در اختیار جامعه علمی قرار داده است، اما مزایای این نگارش، تلاش برای تحلیل تاریخی مهم‌ترین منابع قرن ۵ و سامان‌دهی‌مند و روشمند اذهان مخاطبان علوم قرآن در مواجهه با منابع تخصصی بوده و موجب نگاه کاربردی به تاریخ منابع علوم قرآن خواهد شد که به‌گونه‌ای بخش نرم‌افزاری این شناخت است.

گزینش منابع تأثیرگذار قرن پنجم: دامنه بررسی این تحقیق، معطوف به قرن پنجم است. با کمک منابع علمی و صاحب‌نظران، با ملاک قراردادن قدمت، جامعیت، جایگاه نویسنده و شرح‌نویسی‌ها و تلخیص‌های حول کتاب و همچنین تأثیرگذاری کتاب و نویسنده آن در دوره خود و در دوره‌های دیگر، مهم‌ترین منابع تأثیرگذار در علوم قرآن (اعم از تک‌نگاری یا تفسیر یا مقدمه تفسیری) برای تحلیل گزینش شدند.

منابع گزینش شده قرن پنجم عبارت‌انداز:

مهم‌ترین منابع تأثیرگذار در علوم قرآن کریم (قرن پنجم)

آثار سید مرتضی (۴۳۶ق.)	آثار مکی بن ابیطالب (۴۳۷ق.)
آثار دانی قرطبی (۴۴۴ق.)	التبیان فی تفسیرالقرآن شیخ طوسی (۴۶۰ق.)

آثار واحدی نیشابوری (۴۶۸ق.)

آثار عبدالقاهر جرجانی (۴۷۱ق.)

آثار راغب اصفهانی^۱ (۵۰۲ق.)

جواهرالقرآن ابوحامد غزالی (۵۰۵ق.)

در قرن پنجم، کتاب جامع علوم قرآن وجود ندارد، اما تک‌نگاری‌های تأثیرگذار و جریان‌ساز و تفاسیر و مقدمه‌های علوم قرآن قابل توجه است که به بررسی مهم‌ترین آنها می‌پردازیم.

۱. تک‌نگاری‌های علوم قرآن سید مرتضی (۳۵۵-۴۳۶ق.)

۱-۱. شناخت

علی‌بن‌حسین بن موسی معروف به سید مرتضی، فقیه و متکلم امامی و از شخصیت‌های پرنفوذ اجتماعی شیعه در دوره آل‌بویه بود (آقابزرگ تهرانی، [بی‌تا]، ج ۲: ۱۲۰-۱۲۱). سید مرتضی، در زمینه علوم گوناگون اسلامی صاحب اثر و نظر است، اما در آثاری که درمورد او نوشته شده هیچ‌گاه از او به‌عنوان مفسر یا صاحب‌نظر علوم قرآن^۲ یاد نشده است (ر.ک: عبدالرزاق، ۱۹۵۷م، مقدمه مؤلف؛ ذهبی، ۱۳۶۹ق، ج ۱: ۳۹؛ سید مرتضی، ۱۴۰۳ق، ج ۱: ۹). درحالی‌که کتب تفسیری و روش تفسیری سید مرتضی به‌عنوان موضوعات علوم قرآن آن دوره، نوین بوده و تألیفات

۱. مقدمه تفسیر و کتاب درةالتنزیل و غرةالتاویل راغب اصفهانی، جزء منابعی است که تأثیرگذاری قابل توجهی در علوم قرآن دارد. مرگ وی را ۵۰۲ (نقل سیوطی) یا ۵۶۵ (صاحب‌الروضات‌الجنان به‌نقل از تاریخ اخبارالبشر) نیز دانسته‌اند، اما استاد مهدوی‌راد بر اساس نتایج تحقیقات جدید خود معتقدند سال وفات راغب اصفهانی ۳۹۸ق است. درصورت قبول این قول، راغب اصفهانی متعلق به اواخر قرن چهارم خواهد بود و به‌همین دلیل در مقاله حاضر بدان پرداخته نشد (مبنای قرن پنجم در مقاله حاضر، سال ۴۱۱ تا ۵۱۰ق است).

۲. از بررسی ۶۶ کتاب و رساله سید مرتضی به‌دست می‌آید که برخی کتب او حاوی مطالب علوم قرآن است (ر.ک: سید مرتضی، ۱۴۰۵ق، ج ۳: ۱۱۹-۱۳ و ۳۰۶-۲۸۵؛ ج ۲: ۷۲-۶۷ و ۷۵-۶؛ همو، ۱۳۷۳ق، ج ۲: ۲۴۸-۲۱۶؛ مظلومی، ۱۴۰۴ق، مقدمه؛ شکرانی، ۱۳۷۴، ش ۵۹).

مستقلی نیز در آن صورت گرفته است؛ برای مثال کتابی که درباره اعجاز قرآن با عنوان «الموضح عن جهه الاعجاز القرآن المعروف به الصرفه» نگاشته است (ر.ک: سید مرتضی، ۱۳۸۲ش) یا رساله «تفسیر الآيات المشابه من القرآن» (همو، ۱۴۰۵ق، ج ۳: ۳۰۶-۲۸۵) که شامل تفسیر متشابهات سوره حمد و یک آیه از سوره بقره است (شکرانی، ۱۳۷۴: ش ۵۹).

۱-۲. تحلیل

تأکید ما بر جایگاه تفسیری و علوم قرآن سید مرتضی به دلیل تأثیرگذاری قابل توجه اوست. کمک او به بحث تاویل و تشابه و پایه گذاری آن، در تفاسیر تبیان، مجمع البیان و دیگر تفاسیر قابل مشاهده است. شیخ طوسی از بزرگترین شاگردان سید مرتضی است. از تطبیق مباحث به خوبی روشن می شود که شیخ تأثیر فراوانی از نظرات سید داشته است (برای مثال: سید مرتضی، ۱۳۷۳ق، ج ۱: ۱-۵؛ مقایسه شود با طوسی، [بی تا]، ج ۶: ۴۵۸-۴۶۱؛ همچنین سید مرتضی، [بی تا]، ۴۷-۵۳؛ همو، ۱۳۷۳ق، ج ۱: ۴۷۷-۴۸۲ مقایسه شود با طوسی، [بی تا]، ج ۶: ۱۲۵-۱۲۱). طبرسی در موارد متعدد با تصریح به نام سید مرتضی به نقل کلام وی می پردازد (برای مثال: سید مرتضی، ۱۳۷۳ق، ج ۱: ۷۲؛ همو، [بی تا]، ۴۱-۴۴ مقایسه شود با طبرسی، ۱۴۰۸ق، ج ۵ و ۶: ۳۱۲ و ۳۲۴). یا فخر رازی اشعری که تحت تأثیر «تنزیه الانبیاء» سید مرتضی است (برای مثال: سید مرتضی، [بی تا]، ۶۵-۶۴ مقایسه شود با فخر رازی، ۱۴۰۶ق، ۶۳-۶۴). حتی نظریه صرفه او بحث برانگیز بوده و با دلایل و مستندات، نظر مخالفان را رد کرده است. به تعبیر یکی از محققان (رافعی، ۱۳۹۳ق: ۱۴۴)، کتاب الموضح بازتاب نسبتاً کاملی از نظر معتزله در مورد اعجاز و رد دیدگاه قاضی عبدالجبار معتزلی را ارائه داده است.

از سویی باتوجه به شرایط خاص فرهنگی، علمی و سیاسی قرن پنجم، سید مرتضی

در علم کلام سرآمد بود، ولی از توجه به مباحث لازم تفسیری و علوم قرآن و شبهات آن روز غفلت نکرده و اتفاقاً به حلّ و فصل آن توجه داشته‌است (ر.ک: سید مرتضی، [بی‌تا]، ۳۱-۶۰؛ همو، ۱۴۰۵ق، ج ۳: ۸۳). او با زاویه و تخصص کلام، مباحث مرتبط با این علم در علوم قرآن؛ صرفه و اعجاز، محکم و متشابه را با جدّیت دنبال کرد. نظریه صرفه او متفاوت از نظریه‌های موجود صرفه بوده و بخصوص با توجه به شیعه بودن او جریان عجیب و تبعات گوناگونی را در آن دوره تابحال به همراه داشته‌است (ر.ک: رافعی، ۱۳۹۳ق).

در مجموع پرداختن به شخصیت علوم قرآنی او از ضروریات بوده و حقیقتاً نظرات علوم قرآن سید مرتضی جریان‌سازی و تأثیرگذاری داشته‌است. شخصیت علمی سید مرتضی با لحاظ عقل‌گرایی، حریت، عدم تعصب و آزاداندیشی او دارای رویکرد معرفتی ذات‌گرایانه است و البته در مواقعی تفسیرگرایانه (ر.ک: طوسی، [بی‌تا]، ۹۹؛ اسعدی، ۱۳۹۱: مقدمه و ۹۱-۹۴؛ نصر، ۱۳۷۹: ۱۹۳). در بخش تفسیرگرایی گاه فقط با روش اجتهادی و با دقت نظر از عدم آمیختگی مذهب، تخصص، استاد و سایر عوامل به نگارش و ارائه نظر علوم قرآن پرداخته‌است؛ مشابه نظریه صرفه و گاهی برخی عوامل تأثیرگذار چون مذهب، سبقت تخصص کلامی و ادبی بر نظر علوم قرآن او قابل مشاهده است؛ مثل حلّ و فصل متشابهات قرآن (ر.ک: سید مرتضی، ۱۳۸۲: ۲۵-۷۰؛ سید مرتضی، ۱۳۷۳ق، ج ۲: ۲۱۶-۲۴۸).

به هر ترتیب تجمیع نظرات علوم قرآن سید در خلال تفسیر، به همراه تکنگاری صرفه و اعجاز، محکم و متشابه و سبب نزول، نگاه تقریباً جامعی از مباحث علوم قرآن را به همراه دارد. هرچند سید نگاه جامع‌نگر و نظام‌مند برای تالیف کتاب مستقل و جامع علوم قرآن نداشته‌است.

۲. تک‌نگاری‌های علوم قرآن مکی بن ابیطالب (۳۵۵-۴۳۷ق.)

۲-۱. شناخت

ابومحمد مکی بن ابی‌طالب حموش، محدث، قاری، نحوی و مفسر است که دارای جایگاه و شان اجتماعی برجسته‌ای بوده است. برای کسب علم مسافرت‌های متعددی کرده و تکمیل علوم قرآن و قرائت را در مصر و قیروان انجام داد. همچنین از سن پایین به تدریس علم قرائت مشغول شد (مکی بن ابیطالب، ۱۴۲۹ق، ج ۱: ۱۰-۱۵). آثار تفسیر و بخصوص علوم قرآن او حدود ۳۷ اثر است. برخی آثار چاپ شده او عبارت‌انداز: الإبانة عن معانی القرائات؛ الإيضاح لناسخ القرآن و منسوخه و معرفة أصوله و اختلاف الناس فيه (همو، ۱۴۰۰ق، ج ۱: ۵-۲۰)؛ التبصرة فی القرائات؛ تفسیر المشکل من غریب القرآن العظیم؛ الكشف عن وجوه القرائات السبع و عللها و حججها (همو، ۱۴۰۷ق، ج ۱: ۵-۱۵). البته تعداد قابل توجهی از آثار او چاپ نشده است (ر.ک: همو، ۱۴۲۹ق، ج ۱: ۱۰-۱۵؛ تغری بردی، [بی‌تا]، ج ۵: ۴۱).

۲-۲. تحلیل

آثار فراوان مکی بن ابیطالب در علوم قرآن، به گونه‌ای است که چه بسا اگر او آثار خود را در مباحث علوم قرآن تجمیع نموده بود، حاصل تلاش او ماندگارتر و تأثیرگذارتر می‌شد. بیشترین آثار و تسلط علمی او بر مباحث قرائت قرآن و اختلاف آن بوده و مطالب قابل استفاده‌ای دارد. او چندین کتاب در بحث قرائت دارد که الكشف، آخرین تالیف اوست. این کتاب با رویکرد ریشه‌ای به منشا اختلاف قرائت‌ها در بحث زبانی و لغوی و لهجه و... پرداخته و با دقت نظر و عمق علمی، جامع‌تر از مباحث امروزی، بحث اختلاف قرائات و علل آن را تبیین می‌کند (ر.ک: مکی بن ابیطالب، ۱۴۰۷ق، ج ۱: ۵-۵۶).

امکان بررسی همه آثار او نیست، اما با دیدن تعدادی از آثار، می‌توان گفت اگر او با تجربه تک‌نگاری‌ها، یک کتاب جامع نوشته بود البته با قوت قلم و ادبیات وزین تر، کتاب جامع او جریان‌ساز کتب قرن ۵ می‌شد؛ چراکه با دقت در عناوین اصلی و فرعی کتب موجود علوم قرآن او، می‌توان گفت آثار او به لحاظ ساختار، محتوا و کارکرد، قابلیت رقابت با منابع جامع را داراست (ر.ک: همو، ۱۴۲۹ق، ج ۱: ۱۰-۸۷؛ همو، ۱۴۰۰ق، ج ۱: ۷۶-۵؛ همو، ۱۴۰۷ق، ج ۱: ۸۷-۵).

۳. تک‌نگاری‌های علوم قرآن دانی (۳۷۱-۴۴۴ق).

۳-۱. شناخت

امام ابی‌عمرو عثمان بن سعید الدانی، شیخ مشایخ مقررین و مالکی مذهب بود (ذهبی، ۱۴۱۹ق، ج ۳: ۲۱۱-۲۱۲). دانی در دوره خود تک و سرآمد در علم قرائت بوده، بسیاری از شاگردان او در محضر او قرائت کردند. دغدغه اساتید و بخصوص خود او و شاگردانش بر علوم مرتبط با قرآن بوده‌است. دانی حدود ۱۲۰ تصنیف دارد که کتب مرتبط او با بحث علوم قرآن مثل: التحدید فی الاتقان و التجوید؛ المحکم فی نقط المصاحف؛ المقنع فی رسم مصاحف الامصار؛ المتکفی فی الوقف و الابتداء؛ جامع البیان فی القراءات السبع و التیسیر فی القراءات السبع و...، حدود ۲۹ تک‌نگاری بوده و در موضوعات قرائت، مصاحف و رسم الخط مصاحف گوناگون، نقطه‌گذاری قرآن، وقف و ابتداء، تعداد آیات قرآن و تجوید است (ر.ک: همان: ۲۱۲؛ ابن جزری، [بی تا]، ج ۱: ۵۰۳-۵۰۵).

مهم‌ترین تک‌نگاری او، «التیسیر فی القراءات السبع» است که پس از مقدمه مولف، ساختار کتاب در ۲۶ باب تنظیم شده و ذیل برخی از بابها تقسیم فصل هم ملاحظه می‌شود و حدود ۲۲۹ صفحه را تشکیل می‌دهد (ر.ک: دانی، ۱۴۰۴ق).

۳-۲. تحلیل

شروح التیسیر دانی بر اصل کتاب در شهرت پیشی گرفته و بالغ بر ۴۰ شرح و اختصارنویسی پیرامون کتاب او گزارش شده است (ر.ک: حاجی خلیفه، [بی‌تا]، ماده «حرز الأمانی»؛ دانی، ۱۴۰۴ق، صفحه ز، ح، ط). این نکته نشان از ضرورت و نیاز بحث قرائت در آن دوره زمانی دارد که اکثر تالیفات و تصنیفات به موضوع قرائت، بحث نقطه‌گذاری و رسم‌الخط قرآن اختصاص یافته‌است. شخصیت دانی باتوجه به آثار مهم او و به‌طور خاص ویژگی برجسته او در علم قرائت، نشان از تأثیر کتاب او دارد.

ویژگی‌هایی چون دقت در ضبط، توانمندی حافظه، هوش علمی، درایت سیاسی و اجتماعی باعث تأثیرگذاری افزون دانی شده بود (ر.ک: قفطی، ۱۳۷۱ق، ۲: ۳۴۲؛ لسانی فشارکی، ۱۳۷۳، ج ۶: ۶۹). البته تعصب شدید مذهبی و عرق دینی او هم پافشاری بر نظراتی چون سبعة قرائت ابن‌مجاهد را به‌دنبال داشته و رویکرد تفسیرگرایانه او را موجب شده‌است، اما از سوی دیگر زهد و پارسایی او و سجایای اخلاقی‌اش در نهایت او را به سمت رویکرد معرفت‌گرایانه و حریت در نظر سوق می‌داد تا جایی که در مواردی بر خلاف نظر اساتید برجسته‌اش اعلام نظر می‌کرد (ر.ک: دانی، ۱۴۰۷، مقدمه مرعشلی: ۲۸؛ لسانی فشارکی، ۱۳۷۳، ج ۶: ۷۰).

تأثیرگذاری دانی در حدی است که جمع قابل‌توجهی از مقربان از او بهره علمی برده‌اند. او شاگردان بسیاری را در علم قرائت پرورش داد (ر.ک: دانی، ۱۴۰۷، مقدمه مرعشلی: ۳۰؛ ابن‌جزری، [بی‌تا]، ج ۱: ۵۰۴). رونق فراوان حوزه‌های تدریس قرائت دانی به دلیل تتبع و پی‌جویی او در سیر تاریخی و تحول علم قرائت بود که چنان دانش و بینشی برای وی فراهم آورد که توانست پس از ابن‌مجاهد، جایگاهی بلند در علم قرائت به خویش اختصاص دهد (ر.ک: ابن‌جزری، [بی‌تا]، ج ۱: ۵۰۵؛ لسانی فشارکی، ۱۳۷۳، ج ۶: ۷۰). تا آنجاکه در طی قرن‌ها، قاریان و مقربان همه بر نوشته‌های

ابوعمر و اعتماد می‌کرده و به تبحر وی در علوم قرآنی اذعان داشته‌اند (ر.ک: ذهبی، ۱۴۱۹ق، ج ۳: ۱۱۲۱؛ یاقوت حموی، ۱۴۱۴، ج ۱۲: ۱۲۵-۱۲۶).

البته نقش ابوعمر و در تجدید و احیای علوم قرآن در آغاز قرن ۵ منحصراً به علم قرائات نبود. او در علم رسم‌المصحف نیز که در ارتباط تنگاتنگ با علم قرائات است، تأثیرگذار شد. کتاب المقنع فی رسم مصاحف الامصار وی مانند التیسیر از ساختار تعلیمی برخوردار بوده و شهرت او را افزون‌تر کرد (ر.ک: دانی، ۱۴۰۷، مقدمه مرعشلی: ۹۶-۹۲ و ۱۰۲-۱۱۳؛ لسانی فشارکی، ۱۳۷۳، ج ۶: ۷۰-۷۱).

۴. تبیان شیخ طوسی (۴۶۰ق.)

۴-۱. شناخت

محمدبن حسن طوسی معروف به شیخ طوسی، فقیه و محدث و متکلم نامور امامی قرن پنجم است. تبیان تفسیری است جامع و فراگیر که ابعاد متعددی چون لغت، ادب، قرائت، نحو، تفسیر و تاویل، فقه و کلام را در بر گرفته است. شیخ طوسی در این تفسیر هیچ بُعدی از ابعاد مربوط به تفسیر کلام الهی را رها نکرده و درباره هر یک، بحثی کافی و وافیه نموده است.

از ارجاعات شیخ در این تفسیر به سایر کتب فقهی و اصولی و کلامی معلوم می‌شود که وی تفسیر خود را بعد از تالیف کتاب‌های دیگرش نوشته و به همین جهت این کتاب عظمت و غنای علمی بیشتری نسبت به کتاب‌های دیگر او دارد (ر.ک: طوسی، [بی‌تا]، ج ۱: ۸۱؛ صدر، ۱۳۷۰ق: ۳۳۹؛ کمپانی زارع، ۱۳۹۲). تأثیرگذاری او به گونه‌ای است که شیوه بیان و ترتیب مطالب در تفسیر وی عیناً در تفسیر مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن طبرسی (۵۳۸ق.) به کار گرفته شده است، با این تفاوت که طبرسی، مباحث لغت و اعراب و قرائات و شان نزول و معنای آیه را به روشنی از یکدیگر جدا

کرده است (ر.ک: طبرسی، ۱۴۰۸ق، ج ۱: ۱۲).

شیخ طوسی علاوه بر متن اصلی تفسیر که موضوعات گوناگون علوم قرآن را بحث کرده، در ابتدای تفسیر خود نیز در قالب مقدمه به ذکر پاره‌ای نکات کلی در علوم قرآن می‌پردازد. ابتدا با ادله از عدم تحریف قرآن سخن می‌گوید (ر.ک: طوسی، [بی‌تا]، ج ۱: ۳، ۷، ۸ و ۹). در بحث قرائت، از آنجاکه وی روایات امامیه را مبنی بر جواز قرائت قرآن به اشکال گوناگون موجود پذیرفته است، به قرائت قراء مشهور اشاره و گاه در تأیید رأی خاص از آنها استشهاد کرده (برای مثال: طوسی، [بی‌تا]، ج ۲: ۲۲۱ و ج ۳: ۲۰۵) یا برخی قرائت‌ها را بر برخی دیگر ترجیح داده است (برای مثال: همان، ج ۵: ۲۲۱ و ج ۶: ۱۵۲)، اما هیچ‌گاه قول ایشان را یک‌سره نپذیرفته و حتی گاه آنان را در نحوه قرائت‌شان تخطئه کرده است (برای مثال: همان، ج ۱: ۵۸ و ۴۳۵-۴۳۷؛ کریمی‌نیا، [بی‌تا]، ج ۶: ۴۶۷-۴۷۱) و این اقدام با موضوع جواز خواندن قرآن مطابق با قرائت‌های گوناگون قراء سازگاری ندارد. طوسی سپس به تقسیم آیات محکم و متشابه پرداخته و دلایل و فوایدی بر وجود آیات متشابه در قرآن ذکر کرده است. شیخ طوسی با اشاره به فراوانی و گستردگی مباحث کلامی و نیز اسامی پاره‌ای از متکلمان یاد شده در مقدمه التبیان (طوسی، [بی‌تا]، ج ۱: ۲-۱) وعده می‌دهد که راجع به متشابهات قرآن سخن بگوید و مطاعن ملحدان و مبطلانی چون مجبّره و مشبّهه و مجسمه را پاسخ دهد (آل‌یاسین، ۱۳۵۰، ج ۲: ۳۸؛ نیز ر.ک: طوسی، [بی‌تا]، ج ۴: ۵۳۶). موضوع نسخ آیات قرآن، آخرین مبحثی است که شیخ طوسی در مقدمه به تفصیل بدان پرداخته است. وی با ردّ ادله مخالفان وجود ناسخ و منسوخ در قرآن، نسخ را در اوامر و نواهی و اخبار قرآن، ممکن و واقع شده می‌داند و با ذکر تقسیم‌بندی مشهور نسخ (نسخ حکم بدون تلاوت، نسخ تلاوت بدون حکم و نسخ حکم و تلاوت) دو نوع اول را می‌پذیرد (ر.ک: طوسی، [بی‌تا]، ج ۱: ۱۳ و ۳۹۳-۳۹۴). همچنین نسخ قرآن را با سنت جایز دانسته (ر.ک: همان، ج ۱:

(۳۹۸) و ادله مخالفان را رد کرده است (ر.ک: همان، ج ۵: ۳۵۰-۳۵۱). به عبارتی تفسیر تبیان به اختصار همه فنون و علوم قرآن را دربرمی‌گیرد.

۴-۲. تحلیل

با عنایت به جمع بین تفسیر و علوم قرآن در یک کتاب در فضای قرن پنجم و برجسته کردن مباحث علوم قرآن توسط مفسران، می‌توان گفت کتاب التبیان شیخ طوسی به نسبت سایر تفاسیر؛ هم به جهت جایگاه شخصیتی و هم متن علمی التبیان، می‌تواند مشابه یک کتاب جامع تأثیرگذار بر علوم قرآن باشد.

اگر مباحث تفسیری را حذف و فقط مباحث مرتبط با اصطلاح امروزی علوم قرآن را نگه داریم، آیا کتاب التبیان می‌تواند نیاز علمی و جامع را در مجموعه‌ای از مباحث علوم قرآن برآورده سازد؟ حقیقتاً این تفسیر، ارجح تمامی تفاسیر رایج در آن زمان و جامع تمام اقوال و نظریات مفسران قبل از خود بوده و همچنین به مسائل مربوط به عدم تحریف قرآن، تفسیر و تاویل، محکم و متشابه، ناسخ و منسوخ، شناخت وجوه اعجاز قرآن و احکام تلاوت و قرائت آن، نزول قرآن به حرف واحد، توضیح درباره حدیث نزول قرآن بر هفت حرف، بررسی اسامی قرآن و اسامی سوره‌ها و آیات، تقدیم و تأخیر، علم تناسب و ارتباط آیات، تکرار در قرآن و تفسیر به رأی پرداخته (ر.ک: اکبرآبادی، ۱۳۵۰، ج ۲، ۳۷۱-۳۷۸؛ فاضل، ۱۳۵۴، ج ۳: ۵۴۲-۵۶۴؛ معرفت، ۱۳۸۸، ج ۲: ۲۴۶-۲۵۳؛ آخوند خراسانی، ۱۳۷۷)؛ در نتیجه پاسخ مثبت است.

تأثیرپذیری او در برخی مباحث از استادش سید مرتضی روشن است، برای مثال همه روایات شیعه و اهل سنت را درباره افتادگی آیات فراوان از قرآن، خبر واحد می‌داند که هیچ‌گاه یقین‌آور نیست و به فرض درستی، خدشه‌ای بر صحت متن موجود قرآن وارد نمی‌کند. از سویی با طرح وجوه اعجاز، در جایگاهی متفاوت از نظر صرفه استاد، اظهار نظر می‌کند (ر.ک: طوسی، [بی‌تا]، ج ۱: ۳، ۷، ۸ و ۹). این نکته معنای

قابل توجهی دارد؛ یعنی هم به تعلیمات و نظر برجسته و صحیح استادش توجه داشته و هم با حریت، استقلال رای و با اجتهاد خود سعی داشته به نظر صحیح و متقن قرآن دست یابد ولو مخالف نظر سید باشد.

هر چند کارکرد و ساختار تفسیر تبیان شیخ طوسی، علوم قرآنی نیست اما به لحاظ تفکیک مطالب علوم قرآن و تجمیع آن، می توان محتوای تفکیک شده را در منابع علوم قرآن جای داد. تأثیرگذاری و جریان سازی شخص و شخصیت شیخ طوسی و همچنین تفسیر تبیان او هم در دوره او و هم در دوره های بعدی برجسته بوده است (ر.ک: طوسی، [بی تا]، ج ۱: ۱-۲؛ کریمی نیا، ج ۶: ۶۷-۴۷۱، ش ۳۲۵۹؛ دوانی، ۱۳۶۲: مقدمه).

۵. تک‌نگاری‌های واحدی نیشابوری (۴۶۸ق).

۵-۱. شناخت

واحدی نیشابوری از بزرگان ادبا و مفسران برجسته یا بی نظیر عصر خود و مورد احترام خواجه نظام الملک بود. غیر از بحث‌های تفسیری که اهم کار او بوده، در علوم قرآن از جمله مباحث اسباب نزول، تحریف ناپذیری و اعراب گذاری قرآن، دارای تالیف است. او اولین کسی است که با سختی و تلاش ۴۰ ساله به گردآوری شان نزول آیات پرداخت.

از میان تالیفات قرآنی ایشان، فقط اسباب النزول به شکل چاپی موجود است. این کتاب دارای ۲۷۸ صفحه و با محوریت اسباب نزول و مباحث اولین و آخرین آیه و سوره نازل شده، نحوه نزول وحی، تشخیص آیات و سور مکی و مدنی، بیان سبب نزول سوره و آیه طبق ترتیب قرآن تنظیم شده است (ر.ک: واحدی نیشابوری، ۱۴۲۷ق). این کتاب، از مهم ترین و مشهورترین کتب در علم اسباب نزول است (صابونی، ۱۴۰۵ق: ۱۹).

۵-۲. تحلیل

حرکت فرهنگی و علمی در قرن پنجم در نیشابور، باعث شد در حدیث، فقه، تفسیر و رشته‌های علوم دیگر، علمای بزرگی پرورش یابند. در حرکت تفسیری، اهل حدیث و اشاعره، معتزله و شیعه، مفسران بزرگی چون ثعلبی، طوسی و طبرسی و دیگران، تربیت شده و تفاسیر مهمی را نگاشتند. حتی، علمای صوفی مسلک و باطنی نیز تفاسیر مهمی در این قرن ارائه دادند. پرورش واحدی در این شرایط از او انسانی محدث، فقیه، ادیب، شاعر، متکلم و مفسر ساخته بود، که توانست میان علمای برجسته، سرآمد زمان خود گردد (ر.ک: فروخ، ۱۹۸۴م، ج ۳: ۱۷۵؛ کحّاله، [بی تا]، ج ۷: ۲۶-۲۷).

واحدی اهل فخر فروشی و به دست آوردن مقام و مال دنیوی و احترام حاکمان نبود و وارسته و پیراسته از همه این موارد به کار علمی خود اشتغال داشت. با وجود ارزشمندی و پرفایده بودن اثر او تا مدتی گمنام بود تا توسط دانشمندان مصری به منزلت علمی و اعتبار کتاب او پرداخته شد. او از شاگردان خاص استاد خود ثعلبی صاحب تفسیر الجواهر الحسان بوده که از او تأثیر هم پذیرفته است. همچنین نگارش لباب النقول سیوطی، بر مبنای کتاب اسباب النزول واحدی نیشابوری بوده (ر.ک: اسلامی، ۱۳۶۲: ۸) و فخر رازی هم از تفسیر واحدی تأثیر پذیرفته است (ر.ک: فخر رازی، ۱۳۷۱، ج ۱۳: ۱۳۹). با اینکه اهل سنت است اما سعی کرده در ثبت روایات از تعصب و حاکمیت اهل سنت تأثیر نگیرد، برای مثال سبب نزول آیه ۶۱ آل عمران را جریان مباحله پیامبر با حضرت علی و فاطمه و حسنین علیهم السلام نقل می‌کند یا اینکه عنوان کرده آیه ۶۷ مائده در شان علی علیه السلام نازل شده است (ر.ک: واحدی نیشابوری، ۱۴۲۷ق: ۵۹ و ۱۱۵).

البته با وجود محسنات و اهمیت تک نگاری اسباب النزول نیشابوری بخصوص باتوجه به شرایط عصر او، کاستی‌هایی نسبت به مباحث سبب نزول تفسیر طبری دارد

(ر.ک: طبری، ۱۴۰۸ق، ج ۱: ۹۰ و ۳۱۴ و ج ۲: ۴۷)؛ در نتیجه به نسبت ایجاد جریان و تأثیرگذاری از نظر منبع و کتاب، کتاب واحدی تأثیرگذارتر در علوم قرآن و بحث سبب نزول بوده ولی از نظر محتوا، نکات سبب نزول طبری تأثیرگذاری بیشتری داشته است؛ چراکه روایات سبب نزول تفسیر طبری جامعیت بیشتری دارد و برخی روایات سبب نزول در کتاب واحدی، شباهتی به سبب نزول ندارد (ر.ک: واحدی نیشابوری، ۱۴۲۷ق: ۱۳ و ۱۵) و سند برخی دارای اشکال بوده یا روایات متناقض است (ر.ک: همان: ۲۸ و ۵۴؛ مردانی، ۱۳۹۰).

۶. آثار عبدالقاهر جرجانی (۴۰۰-۴۷۱ق).

۶-۱. شناخت

جرجانی، عبدالقاهر بن عبدالرحمان ابوبکر، ادیب، نحوی، مؤسس و نظریه پرداز بلاغت در قرن پنجم است. جرجانی را با القاب و صفاتی همچون امام در نحو و ادب، شیخ زبان عربی، مؤسس علم معانی و بیان، علامه و دارای تألیفات سودمند، فقیه، متکلم، دیندار، قانع و آرام ستوده‌اند (ر.ک: یاقوت حموی، ۱۴۱۴ق، ج ۴: ۱۷۹۷؛ فروخ، ۱۹۸۴م، ج ۳: ۱۸۳).

دانشمندان مسلمان از سده دوم برای اثبات اعجاز قرآن به تدوین علوم بلاغی پرداختند و عبدالقاهر جرجانی نیز برخی آثار خود را در همین زمینه تألیف کرد. وی، بر خلاف کسانی که بلاغت را بیش تر در لفظ می دانستند یا آنان که جلوه بلاغت را بیش تر در معنی می دیدند، نظریه جدیدی عرضه کرد. او با نقد دقیق نظریه هر دو گروه، دیدگاه خود را که به نظم و تلاؤم شهره گشت، مطرح کرد (ر.ک: جرجانی، ۱۴۲۲ق، ج ۱: ۴۵-۷۰ و ۳۴۳؛ جندی، ۱۹۶۰م: مقدمه). جرجانی بر اساس نظریه نظم، اعجاز قرآن را در ساختار می داند نه در کلمات. قبل از او تلاشهایی پیرامون نظم قرآن

صورت گرفت که جرجانی از آراء و نظرات سایر علما به‌ویژه ابو‌هلال عسکری استفاده کرد و توانست نظریه نظم را ابداع کند. نظریه نظم جرجانی خاستگاه اعجاز کتاب آسمانی است. این نظریه در حوزه زبان‌شناسی جهانی تأثیر به‌سزایی داشت تا جایی که سبک‌شناسان با بهره‌گیری از نظریه او توانستند سبک‌شناسی تکوینی یا فردی ابداع کنند که جدا از نظریه این دانشمند برجسته و متفکر ایرانی نیست؛ چراکه جرجانی در نظریه نظم بیان می‌دارد که هر نظم و ترتیب ویژه زبانی، بینش خاصی را ارائه می‌دهد که نشان از فکر و روان نویسنده آن دارد (فلاحی، ۱۳۹۲: ۲۶۹).

کتاب دیگر جرجانی، الرساله‌الشافیه، درباره اعجاز قرآن است. جرجانی در این کتاب به مبحث تحدی قرآن و ناتوانی مردم عرب در معارضه با قرآن پرداخته و اعجاز قرآن را در نظم آن دانسته و با نظریه صرفه مخالفت کرده است (ر.ک: جرجانی، ۱۳۸۷ق: ۱۰۷-۱۱۷ و ۱۳۳-۱۴۰). این رساله به همراه دو رساله دیگر در اعجاز قرآن از خطابی (م ۳۸۸) و رُمّانی (م ۳۸۶) در مصر به چاپ رسیده و برخی بر آن‌اند که این رساله، بخشی از دلائل‌الاعجاز بوده و کتاب مستقلی نیست (قربانی زرین، ۱۳۹۳، ج ۱۰: ۱۷۳). همچنین در شرح اعجازالقرآن، جرجانی دو شرح کوتاه و بلند بر اعجازالقرآن واسطی (م ۳۰۶) نگاشته است (همان: ۱۷۴).

۲-۶. تحلیل

این نظریه نظم جرجانی که به‌طور ویژه در اعجاز تأثیرگذار است، قبل از او نیز در مبحث اعجاز به‌کار رفته بود. جاحظ نخستین کسی است که «نظم» و «تألیف» قرآن را برهانی عظیم دانسته است (ر.ک: جاحظ، ۱۳۶۷ق، ج ۱: ۳۸۳). باقلانی هم تصریح کرده که اعجاز قرآن در حروف آن نیست، بلکه در نظم، انضمام و چینش آنهاست (باقلانی، ۱۴۱۴ق: ۱۷۷-۱۷۸)؛ در واقع این بحث به‌طور پراکنده در آثار دانشمندان پیش از جرجانی مطرح بوده، ولی مبتکر این نظریه، جرجانی است که زمینه‌ساز علم

معانی، به‌عنوان دانشی مستقل شد (ر.ک: بدوی، ۱۳۸۱ق، ج ۱: ۳۵۳ و ۴۱۱-۴۱۵). واکاوی نگارش‌های اعجاز جرجانی نشان می‌دهد که کتاب دلائل‌الاعجاز، حاوی نظرات مبسوط و توضیحات کامل جرجانی پیرامون نظریه نظم و اعجاز اوست (ر.ک: جرجانی، ۱۹۸۹م، ۹۶-۴۸، ۱۳۰-۱۳۵ و ۳۵۰-۳۵۵). نکته بارز او جایگاه قوی او در علم نحو است^۱ که با درهم آمیختن آن با بُعد کلامی اشعری او، نظرات جدید و جذاب او را به ثمر نشانده‌است (ر.ک: جندی، ۱۹۶۰م: ۵۰-۱۰۵).

در تحلیل نگارش‌های اعجاز جرجانی و تأثیرگذاری آن می‌توان گفت: آرای بلاغی عالمان و نظریه‌پردازانی بزرگ تا اواخر سده ۸ ق به‌وضوح متأثر از نظریه نظم اوست؛ نظریه‌پردازانی همچون زمخشری، فخر رازی، سکاکی، زَمَلْکَانِی، یحیی‌بن‌حمزه علوی و تفتازانی از او بهره برده‌اند. به نظر می‌رسد نظریات جرجانی به سبب پایبندی وی به مذهب اشعری و فقه شافعی در محیط تازه تأسیس مدارس نظامیه از فرصت مناسبی برای گسترش و رواج برخوردار بوده است. چنان‌که آرای وی ابتدا در مدارس نظامیه با استقبال روبه‌رو شده و در مرحله بعد، همین گسترش به فراگیری آن در عصرهای متأخرتر نیز کشیده شده‌است. با این اوصاف چنین به نظر می‌رسد که این توجه از یک سو ریشه در کارکرد اجتماعی نظریه وی دارد و از دیگر سو، شاگردان عبدالقاهر^۲ در توسعه نظریه وی اثرگذار بوده‌اند.

از این رو جایگاه تأثیرگذار و جریان‌ساز جرجانی با نگارش سه کتاب او در بحث اعجاز، موجب رونق و دقت‌نظریات خاصی در ارائه مباحث اعجاز شد؛ چراکه از حیث ساختار و محتوا در کارکرد تک‌نگاری علوم قرآن بسیار قابل‌تحسین بوده و

۱. در کتاب الإقتصاد به مبحث اختلاف قرائت‌های آیات قرآن و تأثیر آن در مسائل نحوی پرداخته است (جرجانی، ۱۹۸۲م، ج ۱: ۲۷۷).

۲. به‌تعبیر یکی از محققان نقش مهم شاگرد قاضی عبدالجبار، ابوالحسن بصری (۴۳۶) و شاگردان عبدالقاهر در ایجاد پل میان فلسفه و کلام، مشهود است؛ ناقد عقل جدلی استاد و البته طرفدار منطقی که با منطق ارسطویی هم تفاوت‌هایی دارد (ر.ک: انصاری، ۱۳۸۸: ۳۸-۴۵).

انعکاس تأثیر آن در منابع تک نگاری و جامع علوم قرآن بعد از او قابل مشاهده است. کار جرجانی در نظریه نظم، از چنان کمال و استحکامی برخوردار است که بعد از او نتوانسته‌اند نکته مهمی بر نظریه وی بیفزایند. حتی جرجانی بر محققان پس از خود تأثیر جدی گذاشت، مثلاً زمخشری (م ۵۳۸) نخستین مفسری است که به پیروی از اندیشه‌های جرجانی، به تفسیر بلاغی آیات قرآن پرداخته است. فخر رازی (م ۶۰۶) کتابش را بر اساس دو کتاب جرجانی؛ یعنی دلائل الاعجاز و اسرار البلاغه، اما با تقسیم‌بندی جدید تألیف کرد (ر.ک: قربانی زرین، ۱۳۹۳، ج ۱۰: ۱۷۰-۱۷۱؛ بدوی، ۱۳۸۱ق: ۳۹۷-۳۹۵؛ شوقی ضیف، ۱۹۷۶م، ج ۱: ۲۴۳؛ فخر رازی، ۱۴۰۶ق، ج ۱: ۵۱).

۷. جواهرالقرآن ابو حامد محمد بن محمد غزالی (۴۵۰-۵۰۵ق).

۷-۱. شناخت

ابو حامد فردی فقیه، اصولی، عارف، متکلم، فیلسوف و یکی از دانشوران مشرق زمین است. در زمینه‌های گوناگون علمی نبوغ سرشاری از خود نشان داد؛ جواهرالقرآن یکی از آثار او در زمینه علوم قرآن است.

کتاب جواهر شامل یک مقدمه و دو بخش اساسی است: ۱. بخش مقدمات ۲. بخش مقاصد. بخش مقدمات مشتمل بر ۱۹ فصل و بخش مقاصد دارای دو نمط جواهر و نمط دُرر و یک فصل است. در نمط جواهر آیات مرتبط با موضوع شناخت و در نمط دُرر آیات مرتبط با عمل از سوره‌های گوناگون قرآنی جمع‌آوری شده است. وی در این کتاب در صدد برآمده که مخاطبان قرآن را با عمق معانی قرآن آشنا سازد. غزالی به دانش‌هایی که به منزله صدف‌اند - مانند علم لغت عرب، علم نحو، علم قرائات و مراتب و درجات آنها - اشاره می‌کند و سپس علوم لباب و گوهرها را به دو طبقه سفلی و علیا که هر کدام دارای اقسامی است تقسیم می‌کند (ر.ک: غزالی، ۱۴۰۹ق: ۱۴).

۱۵ و ۸۶؛ خمیس غریب، [بی تا]: مقدمه).

«الامام محمد الغزالی جهوده فی التفسیر و علوم القرآن» اثر رمضان خمیس غریب، استاد تفسیر و علوم قرآن دانشگاه الازهر مصر است. مؤلف کوشیده است آراء شیخ محمد غزالی در رابطه با علوم قرآن، روش و نحوه برداشت او از قرآن کریم را از لابه لای اثرهای باقی مانده از او استخراج کند. این اثر از مقدمه و سه فصل تشکیل یافته که فصل دوم، دیدگاه‌های غزالی در خصوص بعضی از مباحث علوم قرآن و مسائل تفسیری است (همان؛ زارع کمپانی، ۱۳۹۴: ۳-۹۰).

شرح‌های گوناگون بر کتاب‌های غزالی، نشان از جایگاه و تأثیرگذاری آثار او دارد. مثل بزرگ‌ترین شرحی که توسط زبیدی بر احیاء نوشته شده یا کتاب هشت جلدی معروف احیاء الاحیاء یا تهذیب الاحیاء که فیض کاشانی نوشته است. فیض کاشانی محدث، عارف و فیلسوف شیعی است که در نیمه دوم سده یازدهم احیاء علوم‌الدین را بازنویسی کرده و در تفسیر خود احادیث شیعه را برای مطالب مرتبط با بحث می‌آورد. کتب غزالی بارها در ایران و عراق و لبنان به چاپ رسیده است (آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۳ق: حرف الف و ت). کتاب کیمیای سعادت خلاصه‌ای از احیاء است که غزالی آن را در اواخر قرن پنجم نوشته است.

۲-۷. تحلیل

با بررسی جواهرالقرآن و احیاء علوم‌الدین غزالی و بررسی دقیق فصل دوم کتاب خمیس غریب، عناوین مرتبط با علوم قرآن که غزالی در مورد آن اظهار نظر کرده عبارت‌انداز: ثبوت قرآن کریم، جمع قرآن، اسباب نزول، آخرین نزول قرآن، مکی و مدنی بودن، محکم و متشابه، نسخ، نسخ شرایع، مجاز، اعجاز قرآن، قصص قرآنی، ترجمه قرآن، گرایشهای تفسیر، تفسیر ماثور، تفسیر به رای، ضوابط تفسیر به رای، تفسیر صوفی، تفسیر لغوی، تفسیر کلامی، تفسیر موضوعی، اسلوب قرآن در مورد

سوره‌های مکی و مدنی.

برای مثال در مبحث نسخ، رویکرد موجود میان عالمان جدید، درست در نقطه مقابل مفهومی است که از نسخ میان مفسران متاخر مثل غزالی شایع بوده است. غزالی نسخ را ابطال آیاتی چند از قرآن کریم می‌داند درحالی که علمای جدید به‌طور مطلق نسخ را به‌معنای ابطال رد می‌کنند. رشیدرضا نسخ را تنها در شکل تخصیص عام، تقیید مطلق یا تفصیل مجمل، می‌پذیرد و آیات را به دو دسته تشریحی و تکوینی تقسیم می‌کند (معتقد است آیه ۱۰۶ سوره بقره از نسخ آیات تکوینی سخن می‌گوید و موضوع این آیه نسخ آیات تشریحی نیست). غزالی نسخ شرایع را جایز می‌داند و معتقد است بدون تردید قرآن پاره‌ای از شرائع کهن را نسخ کرده است (ر.ک: خمیس‌غریب، ۱۴۲۳ق: فصل دوم و ۱۳۳-۱۴۳؛ غزالی، ۱۴۰۹ق: ۱۵ و ۸۶؛ رشیدرضا، ۱۴۱۴ق: ۴۱۵؛ زبیدی، [بی‌تا]، ج ۱: ۱۱).

غزالی هم در کتاب احیاء علوم‌الدین به‌طور کلی به بحث موضوعات علمی در قرآن اشاره کرده و هم در کتاب بعدی خود جواهرالقرآن پس از بیان مقدمات و اشارات کلی در مورد علوم گوناگون در قرآن، در فصل پنجم کتابش به اعجاز علمی اشاره می‌کند. غزالی تحت تأثیر محاسبی بوده که به تصریح خود، معارف صوفیه را با مطالعه آثار محاسبی و ابوطالب مکی (ر.ک: محاسبی، ۱۹۸۴م: ۲۲؛ ابوطالب مکی، ۱۴۱۷ق: مقدمه) فراگرفته و محتویات آثار محاسبی را در کتاب معروف خود، احیاء علوم‌الدین آورده است (ر.ک: غزالی، ۱۳۵۱: مقدمه).

در بررسی اندیشه و نگارش اعجاز غزالی هم این جایگاه حائز اهمیت است: ۱. تأثیرگذاری او در رابطه و توازن بین علم کلام و فلسفه و بازتاب آن در نگارش‌های بحث اعجاز، ۲. نقد و رد آرای باطنی‌گراها و متصوفه در موضوعات دینی و اعجاز، ۳. تلاش او برای تعدیل و تغییر رویکرد کلامی متکلمان - که نویسندگان اصلی بحث اعجاز بودند - (با این توضیح که غزالی روش کلامی جدل‌گونه معتزله را که متأثر از

فلسفه یونان بود، تغییر داد. او برای نخستین بار، اصول مسلمانان را با روش منطق ارسطویی ممزوج کرد که تأثیر آن در نگارش‌های بعدی و سبک منابع تفسیر و علوم قرآن قابل دستیابی است) (ر.ک: فاخوری، ۱۳۶۷: ۵۸۶، ۵۸۷ و ۱۱۷؛ غزالی، ۱۹۳۳م، ج ۱: ۵۳ و ج ۳: ۴۵-۶۲) و ۴. ایجاد روزنه برای مبحث اعجاز علمی در قرآن.

بدین‌تریب غزالی جریان جدیدی در همه زمینه‌های اندیشه‌ای و نگارش اسلامی و به‌طور خاص اندیشه و نگارش اعجاز ایجاد کرد. تأثیرگذاری اندیشه و نگارش‌های غزالی تا حدی است که ابن‌العربی در شرق و رامون مرتی در غرب و قدیس توماس آکویناس، برای تایید اندیشه‌های خود از غزالی بهره برده‌اند. به‌تعبیر برخی، در میان متفکران اسلامی هیچ‌کس به‌اندازه غزالی در اسلام منشأ اثر نبوده‌است (ر.ک: زرین کوب، ۱۳۶۴: مقدمه؛ دینانی، ۱۳۷۰: مقدمه). کارکرد اصلی نوشته‌های غزالی در مباحث علوم قرآن، تفسیری بوده؛ یعنی با قصد تفسیر آیات به مباحث علوم قرآن پرداخته‌است؛ در نتیجه از نظر ساختار، کمکی به علوم قرآن نکرده اما از حیث محتوا نظرات علوم قرآن او قابل توجه است (می‌توان نکات جدیدی را در مطالعه و بررسی دیدگاه‌های او به‌دست آورد که برخی از آنها اشاره شد). شخصیت غزالی، پختگی و جامعیت خاصی دارد و نگارش او تحت تأثیر عوامل گوناگون نیست و با رویکرد معرفتی ذات‌گرایانه اکثر مطالب علوم قرآن را تقریر کرده‌است، اما به‌رحال نگارش فلسفی و تخصص او در پردازش افکار و نگارش او موثر است (ر.ک: غزالی، ۱۳۵۱: مقدمه؛ خمیس‌غریب، [بی‌تا]: مقدمه).

بدون تردید سده چهارم تا میانه سده پنجم، از دوره‌های پُرفراز و نشیب تاریخ اسلام است، اما پیدایش شخصیت‌های بزرگ در میان مذاهب گوناگون اسلامی از جمله رویدادهای مهم این دوره است (ر.ک: آدام متز، ۱۳۹۴). در نگاه اول، قرن پنجم در زمینه نگارش‌های مصطلح علوم قرآن (به‌دلیل عوامل مهمی چون تفاوت اندیشه در تعامل، تقابل با مذاهب دیگر اسلامی و ادیان دیگر، فقر دانش و بینش مسلمانان عوام

و حتی عدم عمق نگاه اندیشمندان در مواجهه با عوامل اجتماعی، جنگ‌ها و مشکلات اقتصادی)، غنای کمی دارد. در حالی که با وجود زمینه‌سازی‌های انجام شده و تک‌نگاری‌های خوب و نوشته شده آن عصر، مورد انتظار بود که کتاب جامع علوم قرآن و تجمیع گزارش‌گونه، تبیین‌گونه و متقن مباحث علوم قرآن در یک کتاب واحد نظام‌مند در قرن پنجم حاصل شده باشد، اما این مطلوب اتفاق نیفتاد.

اما نکته مهم آن است که از یک طرف با پذیرش عوامل تأثیرگذار در عدم رونق نگارش‌های جامع علوم قرآن؛ و از سوی دیگر با انتظار و توقع موجود برای تحول بسیار و نگارش کتب متعدد جامع علوم قرآن متناسب با ظرفیت‌های مثبت موجود (از حیث تمدن اسلامی، قدرت شیعیان، همراهی حکومت‌ها با علما و اندیشمندان و همچنین با عنایت به زمینه‌سازی‌ها، اقدامات قبلی و تک‌نگاری‌های نوشته شده) باید گفت: درست است که مشابه رونق سایر علوم اسلامی در قرن ۴ و ۵، کتاب جامع مصطلح در زمینه علوم قرآن در قرن پنجم نداریم، اما آثار جریان‌ساز با مجموعه‌ای از مباحث علوم قرآن و با ضریب تأثیر بالا را در قرن پنجم شاهد هستیم؛ مثل تجمیع نظرات علوم قرآن سید مرتضی، مکی‌بن ابیطالب، دانی، شیخ طوسی و غزالی. به عبارتی اثری مثل فضائل القرآن ابو عبید قاسم بن سلام در قرن ۳ کتاب جامع است اما با صرف نقل و گزارش، ولی آثار مذکور علاوه بر آنکه دامنه موضوعات بیشتری از علوم قرآن را دربردارند، همچنین از نظر محتوای تحلیلی و کاربردی برای استفاده مخاطبین علوم قرآن، مفیدتر و راه‌گشاترند.

نتیجه

باتوجه به تأثیرگذاری و جریان‌سازی نظرات سید مرتضی در مباحث مهم علوم قرآن چون صرفه، اعجاز و محکم و متشابه، با عنایت به شهرت شخصیت و نگارش‌های سید مرتضی، تأثیر آثار او بسیار مطلوب است. همچنین تجمیع مباحث

علوم قرآن در آثار سید مرتضی، به گونه‌ای تصویر یک کتاب جامع علوم قرآن را در ذهن ترسیم می‌کند و این نکته بر ضریب تأثیر آثار سید می‌افزاید. از سوی دیگر قرائن موجود مبنی بر تأثیرگذاری بارز مباحث تفسیر و علوم قرآن سید در نگارش و نظرات تفسیری و علوم قرآن بزرگانی چون شیخ طوسی، طبرسی و فخر رازی موجب می‌شود که صعودی بودن تأثیرگذاری آثارش، افزون‌تر شود.

در مورد مکی بن ابیطالب نیز نمایه موضوعات علوم قرآن در تکنگاری‌های او عبارت‌انداز: قرائت، تجوید و وقف و ابتداء، نسخ، اختلاف مصاحف، اعجاز، احکام القرآن که موضوع قرائت بالاترین رتبه را داراست. با تجمیع نزدیک به ۷۰ رساله مرتبط با علوم قرآن مکی بن ابیطالب، می‌توان مجموع آرائی او را نیز در قالب یک کتاب جامع تصور کرد. البته چون جایگاه و شهرت شخصیت و همچنین آثار سید مرتضی از جایگاه و شهرت شخصیت و آثار مکی بن ابیطالب بالاتر است، در قیاس با سید، تأثیرگذاری آثارش اندکی سیر نزولی دارد.

کتاب التیسیر دانی و ۲۹ تکنگاری او با وجود تأثیرگذاری در همه مباحث علوم قرآن، اما به‌طور خاص در علم قرائت قدرت تأثیرگذاری مطلوبی در عصر خود داشته‌است. البته در قیاس با تأثیرگذاری و جریان‌سازی السبعه قرائات ابن‌مجاهد، کتاب التیسیر دانی قدرت ویژه‌ای برای جلوه‌گری نداشته‌است.

کتاب التبیان شیخ طوسی و مباحث علوم قرآن مطروحه در آن، در قالب یک کتاب جامع علوم قرآن قابل تصور است. مسلماً این کتاب حتی با کارکرد تفسیری، قدرت تأثیرگذاری و جریان‌سازی قابل توجهی در علوم قرآن را داراست.

ضریب تأثیر اسباب‌النزول واحدی نیشابوری، هم به‌جهت تکنگاری بودن و هم به‌جهت تأثیرگذاری مطالب محتوایی در بحث سبب نزول قابل توجه است.

با نظر به تأثیرگذاری ویژه نظریه نظم در مبحث اعجاز، می‌توان گفت جرجانی با این ابتکار عمل و تالیف سه کتاب تخصصی در بحث اعجاز، مبحث اعجاز را به‌میزان

سالها تلاش علمی ارتقا داد. کار او قابل رقابت با کار جاحظ است با این تفاوت که آثار جرجانی به‌طور محسوس و مستقیم بر مباحث اعجاز تأثیر گذاشته‌است؛ لذا از حیث تکنوگاری و تک‌بحث علوم قرآن، تأثیرگذاری جرجانی در تک‌موضوع اعجاز در قیاس با تک‌بحث سبب نزول در اسباب‌النزول نیشابوری، به‌مراتب بیشتر است. مباحث علوم قرآن و تجمیع دیدگاه‌های غزالی هم قابل‌تامل بوده و قابل‌ارائه در مجموعه‌ای از عناوین جامع علوم قرآن است. شخصیت غزالی، پختگی و جامعیت خاصی دارد و معمولاً نگارش او تحت‌تأثیر عوامل گوناگون مذهبی، سیاسی و اجتماعی نبوده و با رویکرد معرفتی ذات‌گرایانه اکثر مطالب علوم قرآن را تقریر کرده‌است، اما به‌هرحال نگرش فلسفی و تخصص او در پردازش افکار و نگارش او موثر بوده‌است.

پس همچنان مرهون دستاوردها و آثار قرن پنجم حتی در علوم قرآن هستیم و خواهیم بود. تکامل و توسعه علوم و معارف قرآن در این دوره، با تلاش اندیشمندان تفسیر و علوم قرآن حاصل شده‌است. در این مرحله اندیشمندان مسلمان، نبوغ و اندیشه‌های خلاق خود را در جهت تصحیح و توسعه علوم قرآن گذشته و هم‌چنین ایجاد علوم و تکنوگاری‌های جدید علوم قرآن، به‌کار بردند؛ در نتیجه ما شاهد تولد علوم قرآن (در بستر تکنوگاری‌ها و تفسیر) در قرن پنجم هستیم که تجمیع آن مباحث در ذهن، تصویر کتاب جامع و جدیدی از علوم قرآن را ترسیم می‌کند. هرچند به‌معنای خاص و مصطلح کلمه، کتاب جامع علوم قرآن که ممزوج با نوآوری و تحلیل علمای مسلمان باشد، هنوز متولد نشده‌است.

درواقع آنچه نویسندگان علوم قرآن این دوره را شایسته تحسین و تکریم می‌کند، ورود آنان به‌مرحله نوآوری و سعی در ابتکار، خلاقیت، ترکیب و بازسازی و درنهایت تعمیق و گسترش علوم اعجاز، صرفه، محکم و متشابه، قرائت، سبب نزول و... است که در مرحله قبل فقط حاصل داده‌های روایی بود. متأثر از این مقطع تمدنی اسلامی،

آثار و نگارش‌های علوم قرآن در این دوره، بسیار پُررونق و حائز اهمیت است. هر چند به مقدار ضریب تأثیر کتب مصطلح و جامع علوم قرآن در دوره‌های بعد که با اندیشه و فکر جامع نگر و با هدف طراحی یک پازل کامل و جامع در مباحث علوم قرآن نگاشته شده، نخواهد رسید.

این تحقیق از طریق یک روند منظم؛ داده‌های تحلیلی را در مورد تأثیرگذاری مهم‌ترین منابع قرن ۵ و عوامل موثر بر تطورات آنها برای مخاطبان تخصصی رشته علوم قرآن بیان کرده است. رهاورد فهم این مطلب می‌تواند، تکمیل سرفصل دروس دانشگاهی رشته علوم قرآن برای بررسی منابع تأثیرگذار علوم قرآن و عوامل موثر بر نگارش آن باشد. همچنین این نتایج، کمک‌کننده به فهم جریان علم (علوم قرآن) کرده و دانش و بینش کمی و کیفی مخاطبان را نسبت به تاریخ منابع علوم قرآن تکمیل می‌کند.

منابع

۱. آخوند، علی اصغر. (۱۳۷۷). *علوم قرآنی در تفسیر تبیان شیخ طوسی* (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). قم: دانشگاه قم.
۲. آقابزرگ تهرانی، محمد محسن. (۱۴۰۳ ق.). *الذریعة إلى تصانیف الشیعه*. تحقیق علی نقی منزوی و احمد منزوی. بیروت: دارالأضواء.
۳. آقابزرگ تهرانی، محمد محسن. (بی تا). *طبقات أعلام الشیعه*. تحقیق علی نقی منزوی. قم: نشر اسماعیلیان.
۴. آل یاسین، محمد حسن. (۱۳۵۰). *منهج الطوسی فی تفسیر القرآن* (در یادنامه شیخ الطائفة طوسی). مشهد: دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه مشهد.
۵. ابن جزری، شمس الدین. (بی تا). *غایة النهایة فی طبقات القراء*. کویت: مکتبة ابن تیمیة (برجستراسر).
۶. ابوالمعالی، خدیجه. (۱۳۹۱). *پژوهش کیفی از نظریه تا عمل*. تهران: علم.
۷. ابوطالب مکی، محمد بن علی. (۱۴۱۷ ق.). *قوت القلوب فی معاملة المحبوب*. بیروت: دارالکتب العلمیه.
۸. اسعدی، علیرضا. (۱۳۹۱). *متکلمان شیعه* (سید مرتضی). قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۹. اسلامی، محمدجعفر. (۱۳۶۲). *شأن نزول آیات*. ترجمه أسباب النزول واحدی نیشابوری و لباب النقول سیوطی. تهران: بنیاد علوم اسلامی.
۱۰. اکبرآبادی، سعید احمد. (۱۳۵۰). *الشیخ الطوسی و منهجه فی تفسیر القرآن* (در یادنامه شیخ الطائفة طوسی). مشهد: دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه مشهد.
۱۱. انصاری، حسن. (خرداد ۱۳۸۸). «چالش‌های متکلمان و فیلسوفان در متون اسلامی». *کتاب ماه دین*. ش ۱۴۰، ص ۳۸-۴۵.

١٢. باقلانى، محمد بن طيب. (١٤١٤ق.). *تمهيد الأوائل و تلخيص الدلائل*. تحقيق عماد الدين احمد حيدر. بيروت: مؤسسة الكتاب الثقافية.
١٣. بدوى، احمد احمد. (١٣٨١ق.). *عبد القاهر الجرجانى و جهوده فى البلاغة العربية*. قاهره: مكتبة مصر بالفجالة.
١٤. تغرى بردى، يوسف. (بى تا). *النجوم الزاهرة فى ملوك مصر والقاهرة*. قاهره: وزارة الثقافة والإرشاد القومى (المؤسسة المصرية العامة).
١٥. جاحظ، عمرو بن بحر. (١٣٦٧ق.). *البيان والتبيين*. بيروت: چاپ عبدالسلام محمد هارون.
١٦. جرجانى، عبدالقاهر. (١٣٨٧ق.). *ثلاث رسائل فى إعجاز القرآن للرمانى و خطابى و جرجانى*. مصر: چاپ محمد خلف الله و محمد زغلول سلام (دارالمعارف).
١٧. جرجانى، عبدالقاهر. (١٤٢٢ق.). *دلائل الإعجاز*. تحقيق عبدالحميد هنداوى. بيروت: دارالكتب الإسلامى.
١٨. جرجانى، عبدالقاهر. (١٩٨٢م). *المقتصد فى شرح الإيضاح*. تحقيق كاظم بحر المرجان. بغداد: وزارة الثقافة والأعلام.
١٩. جرجانى، عبدالقاهر. (١٩٨٩م). *دلائل الإعجاز*. تحقيق محمود محمد شاکر. قاهره: مكتبة الخانجى.
٢٠. جندى، درويش. (١٩٦٠م). *نظرية عبدالقاهر فى النظم*. مصر: دار نهضة مصر.
٢١. حاجى خليفه، مصطفى بن عبدالله. (بى تا). *كشف الظنون عن أسامى الكتب والفنون*. مقدمه سيد شهاب الدين مرعشى. بيروت: دار إحياء التراث العربى.
٢٢. خميس غريب، رمضان. (بى تا). *الإمام محمد الغزالى جهوده فى التفسير و علوم القرآن*. نرم افزار مشكات الأنوار (مركز تحقيقات كامپوترى علوم اسلامى).
٢٣. دانى، عثمان بن سعيد. (١٤٠٤ق.). *التيسير فى القرائات السبع*. تصحيح اوتوتريزل.

- بیروت: دارالکتب العربی.
۲۴. دانی، عثمان بن سعید. (۱۴۰۷ق.). *المکتفی فی الوقف والابتداء*. تحقیق مرعشلی، بیروت: (بی نا).
۲۵. دوانی، علی. (۱۳۶۲). *هزاره شیخ طوسی*. تهران: امیرکبیر.
۲۶. دینانی، غلامحسین. (۱۳۷۰). *منطق و معرفت در نظر غزالی*. تهران: امیرکبیر.
۲۷. ذهبی، شمس الدین. (۱۴۱۹ق.). *تذکره الحفاظ*. بیروت: دارالکتب العلمیه.
۲۸. ذهبی، محمدحسین. (۱۳۶۹ق.). *التفسیر والمفسرون*. مصر: دارالکتب الحدیثه.
۲۹. رافعی، مصطفی صادق. (۱۳۹۳ق.). *إعجاز القرآن و بلاغة النبوة*. بیروت: دارالکتب العربی.
۳۰. رشیدرضا، محمد. (۱۴۱۴ق.). *تفسیر القرآن الحکیم الشهیر بتفسیر المنار*. بیروت: دارالمعرفه.
۳۱. زارع کمپانی، مهدی. (۱۳۹۲). «طوسی پژوهی». *مجموعه مقالاتی در بررسی آرا، احوال و آثار شیخ طوسی*. تهران: خانه کتاب.
۳۲. زارع کمپانی، مهدی. (۱۳۹۴). *ترجمه، تحلیل و نقد جواهرالقرآن غزالی* (به ضمیمه نگرش عین القضاة همدانی و مولانا جلال الدین به قرآن کریم). تهران: نگاه معاصر.
۳۳. زبیدی، محمدبن محمد. (بی تا). *إتحاف السادة المتقين: بشرح إحياء علوم الدين*. بیروت: دارالفکر.
۳۴. زرین کوب، عبدالحسین. (۱۳۶۴ق.). *فرار از مدرسه: درباره زندگی و اندیشه ابوحامد غزالی*. تهران: امیرکبیر.
۳۵. سید مرتضی، علی بن حسین. (۱۳۷۳ق.). *أمالی المرتضی*. تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم. مصر: دار إحياء الكتب العربیه.
۳۶. سید مرتضی، علی بن حسین. (۱۳۸۲). *الموضح عن جهة الإعجاز القرآن*

- المعروف بالصرفه. تحقیق محمدرضا انصاری قمی. قم: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
۳۷. سید مرتضی، علی بن حسین. (۱۴۰۳ق.). *أمالی السید المرتضی*. تصحیح شیخ احمد بن امین شتیطی. قم: منشورات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
۳۸. سید مرتضی، علی بن حسین. (۱۴۰۵ق.). *رسائل الشریف المرتضی*. مقدمه سید احمد حسینی. تدوین سید مهدی رجایی. ج ۱-۳، قم: دارالقرآن الکریم.
۳۹. سید مرتضی، علی بن حسین. (۱۴۱۰ق.). *الشافی فی الإمامة*. تحقیق و تعلیق سید عبدالزهراء حسینی. مراجعه سیدفاضل میلانی. تهران: مؤسسه الصادق علیه السلام للطباعة والنشر.
۴۰. سید مرتضی، علی بن حسین. (بی تا). *تنزیه الأنبياء*. قم: منشورات شریف مرتضی.
۴۱. شکرانی، رضا. (بهار ۱۳۷۴). «مقدمه ای بر مباحث تفسیری سید مرتضی». *کیهان اندیشه*. ش ۵۹، ص ۵۱-۶۰.
۴۲. شوقی ضیف. (۱۹۷۶م). *البلاغة: تطور و تاریخ*. قاهره: دارالمعارف.
۴۳. صابونی، محمدعلی. (۱۴۰۵ق.). *التبیان فی علوم القرآن*. بیروت: عالم الکتب.
۴۴. صدر، حسن. (۱۳۷۰ق.). *تأسيس الشيعة لعلوم الإسلام*. بغداد: مرکز النشر والطباعة العراقيه.
۴۵. طبرسی، فضل بن حسن. (۱۴۰۸ق.). *مجمع البيان فی تفسیر القرآن*. تصحیح سیدهاشم رسولی و سیدفضل الله یزدی. بیروت: دارالمعرفه.
۴۶. طبری، محمد بن جریر. (۱۴۰۸ق.). *جامع البيان عن تأویل آی القرآن*. بیروت: دارالفکر.
۴۷. طوسی، محمد بن حسن. (بی تا). *التبیان فی تفسیر القرآن*. تحقیق احمد حبیب قصیر العاملی. بیروت: دار إحياء التراث العربی.

۴۸. طوسی، محمدبن حسن. (بی تا). *الفهرست*. تحقیق سیدمحمدصادق آل بحر العلوم. نجف: المكتبة الرضویه.
۴۹. عبدالرزاق، محی‌الدین. (۱۹۵۷م). *أدب المرتضى من سيرته و آثاره*. بغداد: مطبعة المعارف.
۵۰. غزالی، ابوحامد. (۱۳۵۱). *إحياء علوم الدين*. ترجمه مؤیدالدین محمد خوارزمی. به کوشش حسین خدیو جم. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۵۱. غزالی، ابوحامد. (۱۴۰۹ق.). *جواهر القرآن و درره*. بیروت: دارالکتب العلمیه (منشورات محمدعلی بیضون).
۵۲. غزالی، ابوحامد. (۱۹۳۳م). *إحياء علوم الدين*. تحقیق عثمان خلیفه. قاهره: (بی نا).
۵۳. فاخوری، حنا و خلیل الجر. (۱۳۶۷). *تاریخ فلسفه در جهان اسلامی*. ترجمه عبدالمحمد آیتی. تهران: (بی نا).
۵۴. فاضل، محمود. (۱۳۵۴). *مقدمه‌ای بر آرا و نظریات کلامی شیخ طوسی در تفسیر تبیان* (در یادنامه شیخ الطائفه طوسی). به کوشش محمد واعظزاده خراسانی. مشهد: دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه مشهد.
۵۵. فخر رازی، محمدبن عمر. (۱۳۷۱). *تفسیر کبیر* (مفاتیح الغیب). ترجمه علی اصغر حلبی. تهران: اساطیر.
۵۶. فخر رازی، محمدبن عمر. (۱۴۰۶ق.). *عصمة الأنبياء*. قم: منشورات کتبی نجفی.
۵۷. فخر رازی، محمدبن عمر. (۱۴۰۶ق.). *نهاية الإعجاز في دراية الإعجاز*. تحقیق بکری شیخ امین. بیروت: دارالعلم للملایین.
۵۸. فروخ، عمر. (۱۹۸۴م). *تاریخ الأدب العربی*. بیروت: دارالعلم للملایین.
۵۹. فلاحتی، صغری و اسماعیل اشرف. (۱۳۹۲). «بازخوانی نظریه نظم عبدالقاهر جرجانی». *فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات قرآن و حدیث*. ش ۵۴، ص ۲۶۹.

۶۰. قربانی زرین، باقر. (۱۳۹۳). *مدخل جرجانی*. تهران: بنیاد دائرةالمعارف اسلامی، ج ۱۰، ص ۱۷۰-۱۷۵.
۶۱. قفطی، علی بن یوسف. (۱۳۷۱ق.). *أنباه الرواه*. تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم. قاهره: دارالکتب المصریه.
۶۲. کحّاله، عمر رضا. (بی تا). *معجم المؤلفین*. بیروت: مؤسسة الرساله.
۶۳. کریمی نیا، مرتضی. (۱۳۷۳). مدخل «التبیان فی تفسیر القرآن». *دانشنامه جهان اسلام*. ج ۶، ص ۴۶۷-۴۷۱.
۶۴. لسانی فشارکی، محمدعلی. (۱۳۷۳). مدخل «ابوعمر و دانسی». *دائرةالمعارف بزرگ اسلامی*. ج ۶، ص ۶۹-۷۱.
۶۵. متر، آدام. (۱۳۹۴). *تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری*. ترجمه علیرضا ذکاوتی قراگزلو. تهران: انتشارات امیرکبیر.
۶۶. محاسبی، حارث بن اسد. (۱۹۸۴م). *التوهم: رحلة الإنسان إلى عالم الآخرة*. تحقیق محمد عثمان خشت. قاهره: (بی نا).
۶۷. محمدپور، احمد. (۱۳۹۲). *روش تحقیق کیفی ضد روش*. تهران: جامعه شناسان.
۶۸. مرتضی زبیدی، محمد بن محمد. (بی تا). *إتحاف السادة المتقين: بشرح إحياء علوم الدين*. بیروت: دارالفکر.
۶۹. مردانی، احمدعلی. (۱۳۹۰). *نقد و بررسی کتاب أسباب النزول واحادی نیشابوری* (پایان نامه کارشناسی ارشد). کرمانشاه: دانشگاه رازی.
۷۰. مظلومی، رجبعلی. (۱۴۰۴ق.). *تفسیر شیعه و تفسیر نویسان آن مکتب*. تهران: نشر آفاق.
۷۱. معرفت، محمدهادی. (۱۳۸۸). *تفسیر و مفسران*. قم: نشر تمهید.
۷۲. مکی بن ابیطالب، ابومحمد. (۱۳۹۹ق.). *الأبانه عن معانی القرائات*. تحقیق

- محي الدين رمضان. دمشق: دارالمأمون للتراث.
۷۳. مكي بن ابيطالب، ابو محمد. (۱۴۰۰ق.). *الإيضاح لناسخ القرآن و منسوخه و معرفة أصوله و إختلاف الناس فيه*. تحقيق احمد حسن فرحات. جده: دار المنارة.
۷۴. مكي بن ابيطالب، ابو محمد. (۱۴۰۷ق.). *الكشف عن وجوه القرائات السبع و عللها و حججها*. تحقيق محي الدين رمضان. تهران: مؤسسة الرسالة.
۷۵. مكي بن ابيطالب، ابو محمد. (۱۴۲۹ق.). *الهداية إلى بلوغ النهاية*. امارات عربي متحده: انتشارات جامعة الشارقة.
۷۶. مهدوی راد، محمدعلی. (۱۳۸۴). *سیر نگارش های علوم قرآنی*. تهران: هستی نما.
۷۷. نصر، علی. (تابستان ۱۳۷۹). «تحليل فقهي رابطه سلطان و علمای دين از دیدگاه علم الهدی». *پژوهشنامه انقلاب اسلامی*. ش ۴، ص ۱۷۰-۱۸۲.
۷۸. واحدي نيشابوري، ابوالحسن علی. (۱۴۲۷ق.). *أسباب النزول*. تحقيق وليد الزكي. بيروت: المكتبة العصرية.
۷۹. ياقوت حموي، شهاب الدين. (۱۴۱۴ق.). *معجم الأدباء إرشاد الأريب إلى معرفة الأديب*. تحقيق احسان عباس. بيروت: دارالمغرب الإسلامي.

